گروهی از مردم عُکل یا عُرینه به مدینه آمدند

از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت: گروهی از مردم عُکل یا عُرینه به مدینه آمدند و دچار بیماری شدند، پیامبر صلی الله علیه و سلم به آنها دستور داد که برای درمان به شتری بروند و ادرار و شیر آن را بنوشند، آنها رفتند و پس از بهبودی، گله بان پیامبر را کشتند و شتران را ربودند، خبر در اول روز رسیده بود، به دنبال آنها چند تن را فرستاد و آنها را گرفتند، و هنگامی که روز به پایان رسید، دستور داد دست و پایشان را قطع کنند و چشمهایشان را درآورند، زیرا آنها این کار را با گله‌بان انجام دادند، و آنها را در حرة پرتاب نمودند، که هر قدر طلب آب کردند ولی آب برای شان داده نشد، ابوقِلاَبَه گفت: اینان دزدیدند و قتل کردند، و بعد از ایمان آوردن، کافر شدند و با الله و رسول او جنگیدند.

[صحیح] [متفق علیه]

مردانی از قبیله عُکل و عُرَینَه نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدند که مسلمان شده بودند، اما آن‌ها به بیماری انتفاخ شکم دچار شدند، و ماندن در مدینه را نپسدیدند، چون غذا و هوای مدینه برای آن‌ها مناسب نبود. پیامبر صلی الله علیه وسلم به آنها دستور داد که به سمت شتران صدقه بیایند و از ادرار و شیر آن بنوشند، آنها رفتند، و هنگامی که بهبود یافتند و چاق شدند و رنگهایشان برای شان برگشت، گله‌بان پیامبر را کشتند و شتران را ربودند، خبر در اول روز رسیده بود، به دنبال آنها چند تن را فرستاد و آنها را گرفتند، و هنگامی که روز بالا آمد، آنها را به شکل اسیر به پیامبر صلی الله علیه وسلم آوردند، و دستور داد دست و پایشان را قطع کنند و چشمهایشان را درآورند، زیرا آنها این کار را با گله‌بان انجام دادند، و آنها را در حرة پرتاب نمودند، که هر قدر طلب آب کردند ولی آب برای ایشان داده نشد، تا اینکه مردند. ابوقِلاَبَه گفت: اینان دزدیدند و قتل کردند، و بعد از ایمان آوردن، کافر شدند و با الله و رسول او جنگیدند.

http://www.sunnah.global/hadeeth/prs/show/66205